

تقابل منطق قدیم و جدید

(حستارهایی مقایسه‌ای در فلسفه منطق)

هـری ویج

ترجمه: آرش جمشیدپور



انشارات نیش و نگار



موسسه انتشارات فلسفه



انتشارات نقش و نگار

تهران - انقلاب، ۱۲ فروردین، شهدای ژاندارمری، شماره ۸
تلفن: ۶۶۹۵۰۷۲۵ - ۶۶۴۹۶۲۴۹

تقابل منطق قدیم و جدید
(جستارهایی مقایسه‌ای در فلسفه منطق)

نویسنده: هنری ویچ

مترجم: دکتر آرش جمشیدپور

ویراستار: رضا رنجبر، امین درستی

صفحه‌آرایی: نقش و نگار (مهشید قریب)

شمارگان: ۵۵۰ نسخه

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۸

سرشناس: ویچ، هنری بابکاک، ۱۹۱۱-۱۹۹۹ م. Veatch, Henry Babcock

عنوان: نام پدیدآور: تقابل منطق قدیم و جدید: جستارهایی مقایسه‌ای در فلسفه منطق/هنری ویچ؛ ترجمه آرش جمشیدپور.

مستندات نشر: ان: نقش و نگار، ۱۳۹۷.

ملاحظات: ظاهری: ۱۵۵ ص.

شابک: ۹۷۸۶۰۰۸۵۸۲۰۰۴

وبسایت: فیبا

یادداشت: کتاب حاضر در اصل ترجمه‌ای در دست‌نویس و

چهارم مقاله از سری ویچ است

عنوان دیگر: جستارهایی مقایسه‌ای در فلسفه منطق.

موضوع: منطق -- مقاله‌ها و خطابه‌ها

موضوع: Logic -- Addresses, essays, lectures

موضوع: منطق ریاضی -- مقاله‌ها و خطابه‌ها

موضوع: Logic, Symbolic and mathematical

Addresses, essays, lectures

شناسه افزوده: جمشیدپور، آرش، ۱۳۶۵ - مترجم

رده بندی کنگره: ۱۳۹۷ و ۹۲۰/ف/BC۷۸

رده بندی دیویی: ۱۶۰

شماره کتابشناسی ملی: ۵۵۴۳۴۸۲

تاریخ درخواست: ۱۳۹۷/۱۰/۳۰

کد پیگیری: ۵۵۴۲۲۶۱

همه‌ی حقوق محفوظ است. تکثیر، تولید، بازنویسی، انتشار و اقتباس تمام یا قسمتی از این اثر به هر شیوه از جمله فتوکپی، صوتی، تصویری، الکترونیکی، ضبط و ذخیره در سیستم‌های بازیابی و پخش منوط به اجازه‌ی کتبی و قبلی از ناشر است.

فهرست

۷.....	مقدمه مترجم
۱۳.....	نگاهی به دوره بدایع گرای و نام‌انگاری
۶۱.....	در باره جایگاه هنر سناخی صورت‌های منطقی
۹۳.....	صورت‌گرایی و/یا قصه بیت در منطق
۱۱۹.....	صدق منطقی و منطق
۱۳۳.....	کلامی فروتنانه در دفاع از منطق ارسطو

مقدمه مترجم

تقابل منطقی سنتی قدیم و منطقی ریاضی جدید یکی از مباحث فلسفی-منطقی گرم و پرشوری بود که در نیمه اول قرن بیستم در میان مدافعان این دو نظام منطقی درگرفته بود. این تقابل حدود سه دهه پیش در کشور ما نیز مطرح شد. با این حال، در جامعه فلسفی-منطقی ما درباره تقابل این دو منطق بحث چندان نظام مند و جامعی نشده است. از این گذشته، آبا پاشا هاشمی دست اول مدافعان منطقی قدیم در غرب چندان آشنا نیستیم. می توان این پرسش را مطرح کرد که مدافعان منطقی قدیم (منطقی ارسطویی-قرون وسطایی) در غرب چه پاسخی به چالش های برآمده از ظهور منطقی جدید داده اند؟ خاستگاه این نزاع در غرب به دست و می توان انتظار داشت که وارثان سنت منطقی قدیم در برابر اشکالات منطقی دانان جدید چیزی برای عرضه داشته باشند. هر چند شعله این بحث امروزه در غرب دامن کمابیش فروکش کرده است، اما پیگیری مناظرات فلسفی گذشته، حتی وقتی دیگر چنان شگفتی برانگیز نیستند، مملو از بصیرت بخشی و نکته آموزی است. گمان می کنم آشنایی با اندیشه و منطق دانان ارسطویی-توماسی معاصر می تواند مواد فکری لازم را برای تأمل درباره تقابل منطقی قدیم و جدید فراهم کند. پنج مکتوبی که در این کتاب آمده اند در خدمت چنین هدفی هستند.

هنری بابکاک ویچ^۱ (۱۹۹۹-۱۹۱۱) منطق دان ارسطویی-توماسی معاصر آمریکایی بود که آثار بسیاری درباره تقابل منطقی قدیم و جدید نوشت. هر چند هنری

ویچ به اندازه برخی منطق‌دانان سنتی معاصر مانند ژاک ماریتن بلندآوازه نیست، اما مکتوبات او در منطق و فلسفه منطق بسی بیشتر از آثار منطقی کسانی مانند ماریتن است.^۱ ویچ از ناقدان پیگیر و سرسخت منطق جدید و فلسفه‌های ضد مابعدالطبیعی بود و تا آن‌جا که من در جهان انگلیسی‌زبان تتبع کرده‌ام، کتاب‌ها و مقالات او شاید بهترین منبع برای آشنایی با پاسخ‌های ممکن منطق قدیم به منطق جدید باشند. زندگی‌نامه علمی مختصر ویچ در آغاز یکی از مکتوبات این کتاب آمده است و من از مطالب را در این‌جا تکرار نمی‌کنم. در ادامه این مقدمه، نخست به معرفی بسیار مختصر کتاب‌ها و مقالات ویچ در منطق و فلسفه منطق می‌پردازم، سپس مطالبی در مورد مادل، لاری‌ها می‌گویم و در خاتمه درباره ابعاد و دامنه منطقی فلسفی این مقالات رزشر اهمیت آن‌ها برای جامعه فلسفی خودمان به اختصار توضیحاتی می‌دهم.

هنری ویچ سه کتاب مهم و مفصل درباره تقابل منطق قدیم و جدید نوشت. منطق قصدی: منطقی انتقادی^۲ (۱۹۵۲)، منطق همچون ابزاری انسانی^۳ (۱۹۵۹) و دو منطق: تعارض بین فلسفه کلاسیک و فلسفه نوتحلیلی^۴ (۱۹۶۹) سه اثر مهم ویچ هستند که او در آن‌ها می‌کوشد، اولاً، تفاوت‌ها و تعارض‌های منطق قدیم و منطق جدید را روشن کند و، ثانیاً، نشان دهد که می‌توان از منطق قدیم در برابر انتقادات منطق جدید دفاع کرد. از این‌ها گذشته، ویچ اثر کم‌حجمی دارد با عنوان نگاهی دوباره به واقع‌گرایی^۵ (۱۹۵۴) که در اصل یک سخنرانی است که او در «درس گفتارهای آکویناس» ایراد کرده است. این

۱. کتاب مهم ماریتن در منطق کتابی است با عنوان درآمدی به منطق:

Maritain, J. (1946). *An Introduction to Logic*. London: Sheed & Ward

2. *Intentional Logic, A Logic Based on Philosophical Realism*

3. *Logic as a Human Instrument*

این کتاب را هنری ویچ با همکاری فرانسیس پارکر نوشته است.

4. *Two Logics, The Conflict between Classical and Neo-Analytic Philosophy*

5. *Realism and Nominalism Revisited*

۶. «درس گفتارهای آکویناس» مجموعه سخنرانی‌هایی است که از سال ۱۹۳۷ تا کنون، هر سال،

درس گفتار نیز به اختلافات نظرگاه‌های منطقی قدیم و جدید در سپهر فلسفه منطق می‌پردازد و نشان می‌دهد که این نظرگاه‌های متفاوت، در مبحث «مسئله کلیات» و مباحث معناشناختی چه لوازم و پیامدهایی دارند.

هنری ویچ مقالات متعددی هم در حوزه منطق و فلسفه منطق نوشت. عناوین برخی از مهم‌ترین مقالات او از این قرارند:

۱. «در باره جایگاه هستی‌شناختی صورت‌های منطقی»^۱ (۱۹۴۸)

۲. «منطق ارسطویی و ریاضی»^۲ (۱۹۵۰)

۳. «سورت‌های منطقی و یا قصدیت در منطق»^۳ (۱۹۵۱)

۴. «ساختارهای منطقی در تصورات کنونی از حساب گزاره‌ها»^۴ (۱۹۵۱)

۵. «اهمیت قدیمی کنونی به قیاس»^۵ (۱۹۵۲)

۶. «به سوی منطق جامع گزاره‌ها»^۶ (۱۹۵۳)

۷. «صدق منطقی و منطقی»^۷ (۱۹۵۴)

۸. «در باب کوشش برای بیان روش‌های چستی‌ها»^۸ (۱۹۶۳)

۹. «کلامی فروتنانه در دفاع از منطق ارسطو»^۹ (۱۹۶۸)

ویچ در این مقالات به ابعاد مختلف تفاوت منطقی قدیم و جدید در سه قلمرو «مفهوم»، «گزاره» و «استدلال» می‌پردازد و نشان می‌دهد که این دو نوع منطق در سه قلمرو مذکور چه تصورات و پیش‌فرض‌های متفاوتی دارند و چگونه این

به همپ دانشگاه مارکونت برگزار می‌شود و سخنرانی‌های آن عمدتاً در باب یکی از مضامین فلسفه قرون وسطی هستند.

1. Concerning the Ontological Status of Logical Forms
2. Aristotelian and Mathematical Logic
3. Formalism and/or Intentionality in Logic
4. Basic Confusions in Current Notions of Propositional Calculi
5. The Significance of Current Criticisms of the Syllogism
6. For a Realistic Logic
7. Logical Truth and Logic
8. On Trying to Say and to Know What's What
9. A Modest Word in Defense of Aristotle's Logic

تصورات و پیش فرض های متفاوت پیامدها و لوازم مهمی در مباحث مابعدالطبیعه، معرفت شناسی و فلسفه زبان به بار می آورند.^۱

من، برای شروع، بهتر آن دیدم که از ترجمه درس گفتار کم حجم نگاهی دوباره به واقع گرایی و نام انگاری و از ترجمه برخی از مقالات مذکور شروع کنم. به این ترتیب، از بین این ۱۰ نوشته، تصمیم گرفتم درس گفتار نگاهی دوباره به واقع گرایی و نام انگاری را به همراه چهار مقاله دیگر ترجمه کنم.^۲ اگر این آثار مقبول طبع اهالی فلسفه و منطق افتد، می توان سایر مقالات و کتاب های او را هم ترجمه کرد.

در معادل گذاری از اصطلاحات رایج و جا افتاده استفاده کرده ام. با این حال، رضی در مورد چند اصطلاح ضروری است. شاید مهم ترین اصطلاح این مجموعه حالات intend اصطلاح و مشتقات آن یعنی intentional intention و intentionality باشد. این اصطلاح ریشه در فلسفه و منطق قرون وسطی دارد و کمابیش از یادها رفته است. البته که فوالتس برنتانو در دوره معاصر آن را دوباره رایج کرد. مترجمان ما معادل های مختلفی مثل «التفات»، «قصدیت» و «کاشفیت» را برای intentionality پیشنهاد داده اند. در چند «کاشفیت» از برخی جهات معادل خوبی است، اما از جهتی هم رهین است و بنابراین، من ترجیح دادم از همان اصطلاح جا افتاده «قصدیت» استفاده کنم. البته که دیگر در ترجمه آثار هوسرل اصطلاح کاملاً معمول و رایجی شده است.^۳ با این حال، مشکل این جاست که این کلمه که در حالت فعلی (intend) معنای «توجه کردن» یا «لالت کردن» و «قصد

۱. هنری ویج در حوزه مابعدالطبیعه هم مقالات مقایسه ای خواندنی و خوبی دارد. برای نمونه، مقاله زیر مطالب مقایسه ای جالبی درباره مابعدالطبیعه شناسی کانت و مابعدالطبیعه قدیم دارند:

- "The Truths of Metaphysics" (1964)

- "ST. Thomas and the Question, "How Are Synthetic Judgments A Priori Possible" (1965)

۲. چهار مقاله گزینش شده از این قرارند: «درباره جایگاه هستی شناختی صورت های منطقی» (۱۹۴۸)، «صورت گرایی و یا قصدیت در منطق» (۱۹۵۱)، «صدقی منطقی و منطق» (۱۹۵۶)، «کلامی فروتنانه در دفاع از منطق ارسطو» (۱۹۶۸).

۳. اصطلاح intention در علم هرمنوتیک و در بحث از author's intention هم به کار می رود و معمولاً آن را «نیت» (نیت مؤلف) ترجمه می کنند. شاید بهتر باشد در این مورد هم معادل «قصد مؤلف» را به کار ببریم.

کردن^۱ می‌دهد، در حالت اسمی (intention) به معنای «مفهوم» و «تصور» است.^۱ و از همین رو، حفظ وحدت در معادل‌گذاری ممکن نیست، مگر آن‌که intention یا intentions را «امرِ قصدی» یا «قصدیات» ترجمه کنیم. اما این‌ها معادل‌های خوبی نیستند و من‌تهای تأصمیم گرفتم از همان اصطلاح قدیمی «معقول» استفاده کنم، زیرا همان‌که می‌دانیم، اصطلاحات لاتین Prima Intentio (first intention) و Secunda Intentio (second intention) که منطبق‌دانانِ قرونِ وسطی به کار می‌بردند، در واقع ترجمه اصطلاحات «معقولِ اول» و «معقولِ ثانی» در فلسفه اسلامی هستند. به این ترتیب، این end و مشتقات آن را به این صورت معادل‌گذاری کرده‌ام:

intend: قصد کردن

intention: معقول

intentional: قصده

intentionality: قصدیت

بنابراین، هر جا اصطلاح «معتدل» کار رفته است، باید به یاد آوریم که «معقول» ترجمه intention است و ربط و نسبت آن را با «قصد کردن» (intend)، «قصدی» (intentional) و «قصدیت» (intentionality) در ذهن حاضر کنیم. اصطلاح دیگری که در متن به کار رفته اصطلاح intentionality است که برخی آن را «عین» و در حالت جمع «اعیان» ترجمه می‌کنند. «عین» و «اعیان» معادل‌های بدی نیستند، اما در کتاب حاضر و در ترجمه تعابیری مثل object of second intention، معادل «عینِ معقولِ ثانی» یا «عینِ معقولاتِ ثانی» چندان مناسب نمی‌نمود. بنابراین، ترجمه دوم از همان واژه «ابژه» استفاده کنم (برای مثال، «ابژه معقولاتِ ثانی»).

اصطلاح term در مباحث منطق معانی متنوعی دارد: «لفظ»، «طرف» (یک نسبت) و «حد» («حدّ موضوع» یا «حدّ محمول»). برای ترجمه این اصطلاح، از

۱. بنگرید به مدخل intentionality در دائرةالمعارف استنفورد (پاراگراف دوم از قسمت شماره ۱). ناگفته نماند که اصطلاح intention به معنای «مفهوم» امروزه کاربردی ندارد و فقط در متون پیروان و ارجحان منطق قرونِ وسطی به کار می‌رود.

معادل‌های مختلف «لفظ»، «طرف» و «حد» استفاده کردیم.

در پاورقی، معادل‌های انگلیسی اصطلاحات مهم را آورده‌ایم و گهگاه برای تسهیل فهم متن توضیحات مختصری داده‌ایم. توضیحات مترجم با حروف اختصاری «م.» (مترجم) از پاورقی‌های مؤلف متمایز شده‌اند.

هرچند موضوع و مضمون اصلیِ مکتوبات پنج‌گانه این کتاب مباحث و مسائل منطق و فلسفه منطق است، با این حال هنری ویچ در ضمن بحث از مسائل منطقی آرا و مدعیات معناشناختی، مابعدالطبیعی و معرفت‌شناختی خود را هم مطرح می‌کند. بنابراین، علاقه‌مندان به فلسفه، مابعدالطبیعه و معرفت‌شناسی می‌توانند علاوه بر مسائل منطقی مقایسه‌ای، ایده‌های خالب دیگری را نیز در متن (یا پاورقی‌های توضیحی هنری ویچ) بیابند.

بحث‌های هنری ویچ را بر جهت جذاب‌اند که مفاهیم، مسائل و اصطلاحات فراموش‌شده منطقی قدیم را بار دیگر به محنه می‌آورند و به ما یادآوری می‌کنند که روزی روزگاری منطق‌دانان نگاه دیگری به «مضمون»، «مصدق»، «گزاره»، «حمل»، «حکم»، «استدلال»، «نسبت»، «هستی‌مند عقلی»، «هستنده منطقی»، «موجود ذهنی»، «الفاظ مقوله‌ای»، «الفاظ مقوله حسی»، «صورت»، «ماده»، «قصیدیت»، «معنا» و... داشتند. هرچند لحن و شیوه بیان هنری ویچ گهگاه حالتی تند و جدلی دارد، من معتقدم که مکتوبات ویچ زمینی حاصلخیز برای فلسفه معاصر آماده می‌کنند.

و در نهایت، گمان می‌کنم این اثر برای علاقه‌مندان فلسفه اسلام هم جذاب و درس‌آموز خواهد بود. فلسفه قرون وسطی از فلسفه اسلامی سناست و بنابراین توسل ویچ به منطق و فلسفه قرون وسطی برای پاسخ به اشکالات منطقی جدیدی می‌تواند به اهالی فلسفه اسلامی نگاه و منظر جدیدی نشان دهد. امیدوارم مکتوبات این اثر بتواند سرنخ‌های پژوهشی جدیدی برای جستجو در آثار فلسفی منطقی عالمان مسلمان به دست دهند.